

اپوزسیون بورژوازی ایران شایسته هیچ اعتمادی نیست

کارگران و زحمتکشان
توده‌های رنج‌دیده و تحت ستم و استثمار



در شرایط حساسی قرار داریم. شکاف عمیق بین دو طبقه اجتماعی اصلی جامعه سرمایه دار و کارگر مدت‌ها است که گذار مسالمت آمیز از وضعیت مشقت بار کنونی را منتفی ساخته است. جنگ میان آزادی و استبداد و خودکامگی، و جنگ میان استثمارشدگان و ستم‌دیدگان با طبقه حاکم و قدرت سیاسی- مذهبی آن، مدت‌ها است که آغاز شده است. از دیماه ۹۶ تا شهریور ۱۴۰۱ و از شهریور ۱۴۰۱ تاکنون خیابان‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس، کارخانه‌ها و مراکز کار و محلات، عرصه‌های مختلف نبرد زنان، جوانان، کارگران و زحمتکشان و تمامی انسان‌هایی بوده است که از ظلم و ستم و استثمار و تبعیض و نابرابری به جان آمده‌اند. جنبشی که از بیست و شش شهریورماه با قتل حکومتی «ژینا امینی» جرقه خورد و تحت شعار زن - زندگی - آزادی - شعله کشید، برغم سرکوب زندان شکنجه و کشتاری که حاکمیت ننگین سرمایه و ثروت براه انداخت، همچنان ادامه دارد. خیزشی مردمی که با شعارها و مطالبات اقتصادی و سیاسی روشن، خواهان سرنگونی انقلابی نظام حاکم و استقرار نظامی نوین و متکی به رأی و اراده آزاد خودشان هستند.

در این میان، جریان‌های متعددی از جنس سلطنت طلبان گرفته - که در دوران حاکمیت سلطنت پهلوی از یک طرف با سرکوب نیروهای چپ و مترقی و کمونیست و از طرف دیگر با باز گذاشتن دست روحانیت در تبلیغ و ترویج خرافات مذهبی- عملاً یکی از مسببین اصلی سرکار آمدن رژیم خونخوار اسلامی بودند، تا لیبرال‌هایی که دست بال خمینی را گرفتند و پست‌های وزارت و وکالت را عهده دار شدند و مرتجعین اصلاح طلب دیروزی که در سازماندهی ارگان‌های ضد مردمی رژیم ابتکار عمل را در دست داشتند و در قتل و کشتارهای دهه شصت و بستن دانشگاه‌ها، سرکوب تشکل‌های کارگری و سازمان‌های سیاسی و مدنی دست از پا نمی‌شناختند، سرمایه‌داران و رانت خواران و دزدان رانده شده از حاکمیت و جمهوری خواهان رنگارنگ، و چپ‌های رفرمیست فرصت طلب و صدمه‌توبه کرده که با شنیدن کلمه جنبش انقلابی روترش می‌کردند و طرفدار «رواداری» با دستگاه جهنمی حاکم بودند. همه اینها امروز در پرتو خیزش انقلابی توده به جان آمده ردای انقلابی پوشیده و با پرچم دروغین دموکراسی خواهی به میدان آمده‌اند تا مردم را فریب داده و به دنبال خود بکشند. آن‌ها با مرتجع‌ترین محافظ و شخصیت‌های وابسته به انحصارات نظامی و امنیتی کشورهای امپریالیستی و دول مرتجع منطقه نشست و برخاست می‌کنند. خرده بورژوازی‌های نه چندان ساده لوحی نظیر حامد اسماعیلیون و سیلبرتی‌های رنگارنگ را به جلو صحنه آورده‌اند تا از بالای سر مردم کارگر و زحمتکش، دولت و مجلس و رهبری تعیین کنند.

آن‌ها در جریان خیزش انقلابی اخیر تلاش کردند تا شعارها و خواست‌های توده‌های مردم از جمله شعار زن_زندگی_آزادی را از محتوای واقعی‌اش تهی کنند و آنرا صرفاً به مخالفت با حجاب اجباری تقلیل دهند. سرنگونی جمهوری اسلامی را از محتوای اقتصادی و اجتماعی آن تهی کرده به شعار نفی ولایت فقیه و مرگ برخامنه ای تقلیل دهند.

آن‌ها تلاش می‌کنند که تمام امکانات مادی و معنوی کشورهای امپریالیستی و دول مرتجع منطقه را در خدمت انحراف مسیر مبارزه و تقلیل خواست‌های انقلابی توده‌های زحمتکش مردم بکار گیرند تا از تکامل خیزش انقلابی به انقلاب اجتماعی و به نفی اکثریت جامعه، یعنی طبقه کارگر و انبوه زحمتکشان و ستم‌دیدگان جلوگیری کرده و نظام منحل سرمایه داری ایران را که به انباشت سرمایه زیر سرنیزه عادت کرده و به فساد و رانت خواری مشهور است، از زیر ضرب خارج کنند. آن‌ها باردیگر و برای چندمین بار امتحان خود را پس دادند و نشان دادند که نه آزادیخواه هستند و نه عدالت طلب، بلکه به انباشت سرمایه از طریق تشدید استثمار و شراکت در غارت و چپاول دسترنج توده‌های مردم می‌اندیشند. آن‌ها با خرافات مذهبی و سنت‌های ارتجاعی مردسالار و زن ستیز نیز نه مخالفت جدی بلکه سرسازش و

مماشات دارند و تنها به فکرخزیدن به قدرت و شریک شدن در ثروت می‌باشند. آن‌ها درحالی از آزادی و دموکراسی حرف می‌زنند که هنوز به قدرت نرسیده همچون دسته جات حزب الله به مخالفین خود حمله می‌کنند و تجمعات آنها را برهم می‌زنند. آن‌ها با تفرقه انداختن میان توده‌های معترض و سردرگم کردن آن‌ها عملاً به سرکوبگری رژیم و عوامفریبی‌های آن یاری رسانیدند.

کارگران و زحمتکشان

دانشجویان جوانان و زنان پیشگام و مبارز

اپوزیسیون بورژوائی رژیم شایسته هیچ اعتمادی نیست، و هرگونه همراهی و همگامی و هم آوایی با این دستجات، آلوده شدن به پلشتی‌های آنها و ضدیت با اهداف و خواست‌هایی است که هزاران نفر برای رسیدن به آن جانباخته‌اند، به زندان افتاده و شکنجه شده‌اند و میلیون‌ها نفر آواره گردیده‌اند.

نباید دردام فریبکاری‌های اپوزیسیون بورژوائی و ضد کارگری و دول امپریالیستی که برآند جنبش توده‌های مردم و فداکاری جوانان را وجه المصالحه منافق اقتصادی و سیاسی خود کنند، گرفتار شد. و از اتکاء به خود و تداوم مبارزه غافل ماند. بلکه افشا و طرد آنها ضامن انسجام و قدرت‌مند شدن جنبش طبقه کارگر و نیروهای راستین انقلابی است که رسالت و قدرت به ثمر رسانیدن انقلاب توده‌ها و تحقق خواست‌های آنان را دارند.

جنبش ما هرچند طولانی، سخت و با افت و خیزها توأم است اما شعله‌های آن خاموش شدنی نیست.

باید جنبشی سازمان داد که زمان و مکان را درنوردد، از فعالیت فردی به مبارزه سازمان‌یافته محلات از اعتصاب یک کارخانه به اعتصابات کارخانه‌ها و مراکز کارگری و اعتصاب عمومی ارتقاء یابد. در این راه سازماندهی و تشکل و تحزب و تدارک لازم و حفظ استقلال طبقاتی و تلفیق کارعلنی و مخفی در مبارزه از اهمیت انکارناپذیری برخوردار است.

طبقه کارگر و تمام ستم‌دیدگان و نیروی کار و زحمت تنها با سرنگونی انقلابی رژیم سرمای‌داری ایران، لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید، سرکوب مقاومت بورژوازی و اعمال قدرت از طریق شوراهای است که می‌توانند به قدر قدرتی و ستم و استثمار و زور و سرکوب و تمامی تبعیضات موجود پایان دهند و آزادی و اقتدار و حق تعیین سرنوشت را به مردم بازگردانند. هرچند این مبارزه طولانی و راه پرفراز و نشیب باشد اما تاریخ راهی جزاین برای رهائی نیروی کار و زحمت نمی‌شناسد.

سوسیالیسم یا بربریت!

این است شعار طبقه کارگر و متحدین زحمتکش آن که اکثریت جامعه را درمقابل اقلیتی ناچیز اما صاحب قدرت و ثروت تشکیل می‌دهند.

رسوا و طرد باد عوام فریبان و سازشکاران

سرنگون باد رژیم سرمای‌ه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی

زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۲۵ دیماه ۱۴۰۱

امضا: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان
راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت